



دستمزدهای انعطاف پذیر یک فرض غیر واقع بینانه نیست

یافته های تازه درباره چسبندگی دستمزدها

از مدرسه اقتصاد لندن مطالعه ای کرده است که نشان می دهد، کسانی که در هنگام رونق کارشان را عوض میکنند، اغلب دستمزدهای بهتری به دست می آورند، در حالی که اگر در هنگام رکود بخواهند تغییر شغل بدهند چنین اتفاقی نمی افتد.

این می تواند گویای این نکته باشد که (حداقل درباره دستمزدهای پیشنهادی به متقاضیان جدید) دستمزدها احتمالاً بیش از آنچه برخی تئوری های اقتصاد فرض می کنند، انعطاف پذیرند. البته نظریه پردازان بلافاصله جواب می دهند که اینقدر تندروی نکنید. مارک گرتلر و آنتونلا تریگاری در مطالعه اخیر خود توضیح می دهند که چرا مطالعه پیساردیس ممکن است معنای دیگری داشته باشد. برای مثال فرض کنید که یک کارگر با مهارتهای بالا طی یک رکود به عنوان راننده تاکسی استخدام می شود و سپس با جست و جوی مجدد کاری درخور مهارت های خود با درآمد بالا پیدا می کند. درست به همین طریق یک نفر ممکن است که شاهد نوسانات سیکل مانند در دستمزد خود باشد، به خاطر اینکه بین مشاغل با مهارت های مختلف رفت و آمد می کند. مطمئنم که همگی تصدیق خواهید کرد، موضوع خیلی جالب است در همین باره جدیدترین مطلبی که شنیدم توسط گری سولون در کنفرانس انجمن ملی اقتصاد بود. **سولون** (به همراه **پدرو مارتینز و جان اتان تماس**) اطلاعات مربوط به شرکتهایی را بررسی کرده است که طی یک سال برای یک سمت خاص بارها و بارها کارکنان جدید استخدام می کرده اند.

یافته های سولون درباره پرتغال بی شک بسیاری از نظریه پردازان را شوکه خواهد کرد: دستمزدها در هنگام رکود کاهش می یابند.

افزایش یک درصدی نرخ بیکاری به نظر نرخ دستمزد پیشنهادی به متقاضیان جدید $1/8$ درصد کاهش می دهد. به عبارت دیگر اگر نرخ بیکاری از 6 به 9 درصد برسد، دستمزدهای تازه حدود 5 درصد کاهش خواهند یافت.

فرض کنید در سیاره ای به نام ولکان رکود شده است. به خاطر ضعیف بودن تقاضا، یک کارگر خوب و وظیفه شناس در این سیاره خدمت می کند، نمی تواند پیش وجدان خود میزان دستمزدش را توجیه کند.

رئیس او به دفتر صدایش می زند و می خواهد که در گوشه ای بنشینند و گپ دوستانه و منطقی با یکدیگر داشته باشند. آنها با یکدیگر به توافق می رسند که در شرایط دشوار کنونی ادامه کار به این شکل غیرمنطقی است و این کارمند وظیفه شناس قبول می کند که در حال حاضر دستمزدش 20 درصد کاهش پیدا کند. هر دوی آنها خوشحالند که به جای یک رسم غیرانسانی، اخراج کارگران اضافی، توانسته اند دستمزدهایشان را تعدیل کنند. اما روی زمین مردم همچنان به خاطر رکود از کار اخراج می شوند و این به این دلیل است که فکر می کنند دستمزدها قابل تعدیل نیست. بعضی از اقتصاد دانها از مفهومی حرف می زنند به نام بیکاری داوطلبانه این اصطلاح عجیب به ذهن انسان متبادر می کند که فرد ترجیح داده است ساعات بیشتری را روی ساحل بگذراند تا اینکه حاضر به پذیرش کاهش دستمزد بشود. بعضی دیگر از اقتصاد دانان درباره چسبندگی دستمزدها حرف می زنند، مهم نیست که چه بنامیمش، دستمزدهای انعطاف ناپذیر معما هستند و رویکرد رئیس سیاره ولکان به نظر منطقی تر می رسید.

بسیاری از اقتصاد دانان همچنان می گویند که دستمزدها در هنگام رکود قابل تعدیل نیستند و اینگونه توضیح می دهند که چرا بیکاری هم مثل چرخه های اقتصاد نوسانات مختلفی را از سر می گذرانند. حتی اگر بعضی از آدم های سرسخت تر حاضر به پذیرش تغییر دستمزدشان نباشند، هنوز هم جایی برای تعدیل دستمزدها هست. چون افراد پیوسته شغلی به دست می آورند یا شغلی از دست می دهند.

اگر کارفرمایان در هنگام رونق پیشنهادات سخاوتمندانه داشته باشند و در هنگام رکود پیشنهادهای خجالت آور، باید شاهد نوسان کمتری در بیکاری و انعطاف پذیری بیشتر دستمزدها باشیم. اما در عمل چنین اتفاقی نمی افتد. اما کریستوفر پیساردیس